

بررسی رابطه بین تجارت بین الملل و رشد اقتصادی با استفاده از شاخص حکمرانی خوب

دکتر سید محمدجواد رزمی* سارا شهرکی** محمدرضا کلایی***

دریافت: ۸۹/۱/۲۴

پذیرش: ۸۹/۹/۱۶

تجارت بین الملل / رشد اقتصادی / نهادها / حکمرانی خوب

چکیده

تجربه کشورهای مختلف جهان در مورد آزادسازی تجارت و گسترش آن گویای این امر است که این سیاست می تواند اثرات متفاوتی در کشورهای مختلف که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و نهادی متفاوت دارند، بگذارد. لذا نهادها می توانند بر نحوه و مسیر اثرگذاری تجارت بین الملل بر روی رشد اقتصادی اثرگذار باشند. در همین راستا، این مطالعه، به دنبال بررسی اثر تجارت بین الملل بر رشد اقتصادی با توجه به ساختارهای اجتماعی و نهادی هر کشور و با استفاده از شاخص حکمرانی خوب است. مدل مورد استفاده در تحقیق، ترکیبی از مدل پویای وینهلد (۱۹۹۳) و مدل چن و گوپتا (۲۰۰۶) است که نمونه ۵۷ کشور را در دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ بررسی کرده است. برای مطالعه بهتر اثر نهادهای موجود در کشورها بر روی این رابطه، کشورها با توجه به شاخص حکمرانی خوب، به سه دسته کشورهای با کیفیت نهادی بالا، متوسط و پایین طبقه بندی شده اند.

نتیجه نشان‌دهنده رابطه مثبت تجارت و رشد اقتصادی با توجه به کارایی نهادهای موجود در هر جامعه است. کشورهایی که در آنها وضعیت حکمرانی مناسب است، تجارت بر روی رشد اقتصادی مؤثر است، اما در کشورهایی که وضعیت حکمرانی مناسب ندارند، این رابطه معکوس می‌شود.

طبقه‌بندی JEL : F10، F43، B25

مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی از اهداف مهم کلان اقتصادی هر کشور است، زیرا برای افزایش سطح زندگی افراد باید شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بهبود یابد و این مهم جز در سایه رشد و توسعه اقتصادی کشور میسر نیست. در دنیای امروز که شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه کاملاً قابل درک است، جنبش عظیمی در بین کشورهای جهان برای از بین بردن این شکاف به وجود آمده است. لذا توجه به مقوله رشد و توسعه اقتصادی به سرعت در حال افزایش است.

برای رسیدن به رشد و توسعه عوامل بسیاری را می‌توان مؤثر دانست. برای یک برنامه‌ریزی کامل و منسجم درباره رشد هر کشور لازم است که به تمامی عوامل مذکور توجه شود تا بتوان حرکت در مسیر رشدی بلندمدت و متعادل را تا حدودی تضمین کرد. راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که برای انتخاب یکی از آن‌ها به عنوان استراتژی توسعه، باید برای هر کدام از آن‌ها، توانایی‌ها، ضعف‌ها و زمینه‌های مورد نیاز و همچنین توانایی‌های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ شود که بیشترین هماهنگی را با شرایط جامعه داشته باشد.

یکی از این سیاست‌ها، سیاست تجارت به عنوان موتور رشد است که در آن افزایش حجم تجارت می‌تواند باعث رشد اقتصادی کشور شود. آرتور لوئیس^۱ درباره رابطه تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی می‌گوید: «بین تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی همبستگی زیادی وجود دارد. چنانچه سرعت افزایش صادرات بیش از افزایش واردات باشد، تجارت می‌تواند برانگیزاننده رشد باشد. ولی اگر سرعت افزایش واردات به صادرات پیشی گیرد، تجارت موجب توقف رشد خواهد شد»^۲.

وسیله ارتباط اقتصادی در دنیای امروز تجارت و آزادسازی تجاری است. به نظر می‌رسد آزادسازی تجارت و افزایش آن در آینده‌ای نه‌چندان دور برای اقتصادهای بسته^۳ امری اجتناب‌ناپذیر است. اما این موضوع را نمی‌توان دلیلی برای گسترش و آزادسازی بدون

1. Lewis, Arthor (1915-1991).

۲. لوئیس (۱۹۵۲)؛ ص ۵.

3. Closed Economy.

حد و مرز تجارت دانست. تجربه کشورهای مختلف جهان در مورد آزادسازی تجارت و گسترش آن گویای آن است که این سیاست می‌تواند اثرات متفاوتی در کشورهای با ساختار اقتصادی و اجتماعی مختلف بگذارد.

از مهم‌ترین عوامل اختلاف بین ساختارهای اجتماعی و نهادی کشورها با یکدیگر می‌توان دولت و بازار را که در واقع باید به‌عنوان دو نهاد مکمل هم در اقتصاد عمل کنند، نام برد. دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی را برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا کند و از این رهگذر به‌عنوان دست یاری‌دهنده بازار موجبات رشد اقتصادی را فراهم آورد. تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها اغلب تحت‌عنوان حکمرانی خوب^۱ مطرح می‌شود. حکمرانی خوب شامل ایجاد، حمایت از حقوق مالکیت و اجرای آن، بدون محدود شدن مبادلات بازار است. لذا چگونگی حکمرانی می‌تواند بر نحوه و مسیر اثرگذاری تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصادی اثرگذار باشد.^۲ در همین راستا، این مطالعه، به‌دنبال بررسی اثر تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصادی با توجه به ساختارهای اجتماعی و نهادی هر کشور و با استفاده از شاخص حکمرانی خوب است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مبانی نظری رشد اقتصادی با تأکید بر تجارت خارجی

همان‌طور که در ادبیات اقتصادی بیان شده است، مبانی اولیه مربوط به نقش تجارت خارجی در رشد اقتصادی به مکتب سوداگری^۳ باز می‌گردد. از دیدگاه این مکتب تراز تجاری مثبت، سبب شکوفایی و رشد اقتصادی می‌شود. نظریه کلاسیک‌ها پس از این مکتب، مهم‌ترین نظریه طرفدار تأثیر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی است. برای مثال آدام اسمیت^۴ براساس اصل تقسیم بین‌المللی کار و مزیت مطلق عقیده داشت که نفع حاصل از مبادلات خارجی یک کشور به ضرر کشور دیگر نیست و در عمل هر دو طرف مبادله از

1. Good Governance

۲. مهدوی، بحرینی و جوادی (۱۳۸۷)؛ ص ۹۲-۹۱.

3. Mercantilists

4. Smith, Adam (1723-1790).

منافع آن بهره‌مند می‌شوند.

در دوره نئو کلاسیک‌ها، گرایش به سمت رشد اقتصادی با مطالعات سولو (۱۹۵۶ و ۱۹۵۷) تجدید حیات یافت. سولو به وضوح «تأثیرات رشد اقتصادی» را از «تأثیرات سطح» جدا ساخت. در نتیجه تجارت خارجی که در نهایت یک اثر سطح به‌شمار می‌آید و تأثیرات مثبتی بر دوره زمانی گذرا به‌جای می‌نهد، بر نرخ بلندمدت رشد اقتصادی تأثیری ندارد. بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در طول دو قرن گذشته، اقتصاددانان تأکید فراوانی بر اهمیت تجارت خارجی در رشد اقتصادی داشته‌اند. از میان کلاسیک‌ها، آدام اسمیت تجارت خارجی را وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم کار و افزایش تولیدات می‌دانست. نئو کلاسیک‌ها نیز از تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشورها غافل نبوده‌اند. آلفرد مارشال در نوشته‌های خود به اهمیت بازرگانی در رشد اشاره کرده است. همچنین، عده‌ای از نظریه‌پردازان اقتصاد بین‌الملل مانند بالاسا^۱، کوآن و همکاران^۲ و بادینگر و تندل^۳ با اعتقاد فوق‌العاده به نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی، از آن به‌عنوان موتور رشد نام می‌برند. نظریه‌های رشد مبتنی بر تجارت خارجی، تأکید می‌کند که تجارت خارجی از طریق بهبود تخصیص منابع، دسترسی به فناوری و کالاهای واسطه‌ای بهتر، استفاده از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید، افزایش رقابت داخلی، ایجاد محیطی مناسب برای ابداعات و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.^۴

در بیشتر کشورهای اسلامی، منابع آزاد و بالقوه‌ای مانند مواد، تجهیزات، نیروی کار، زمین و سرمایه موجود است که در صورت حمایت از صنایع صادراتی به این بخش هدایت و جریان یافته و در نتیجه کارایی، رشد و ساختار تولیدات داخلی را گسترش می‌دهد. درحقیقت گسترش صادرات باعث می‌شود که بازار ارز از انحصار دولت خارج شده و به شرایط رقابتی نزدیک‌تر شود و تولیدکنندگان داخلی بتوانند هرچه بیشتر از ظرفیت واحدهای تولیدی خود استفاده کنند. از طرف دیگر توسعه صادرات امکان استفاده از امکانات جهانی برای رشد تولیدات داخلی را مهیا کرده و از این طریق از محدودیت‌های بازار داخلی رهایی

1. Balassa (1978).

2. Kwan, et al. (1996).

3. Badinger and Tondl (2002).

یافته و با توسعه مقیاس تولید به منظور صادرات بیشتر به بازارهای خارجی، زمینه رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد.^۱

۱-۲. حکمرانی خوب

در فرهنگ لغت آمریکایی هریتیج^۲ واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمرانان؛ دولت» معنا شده است.

در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. برنامه توسعه سازمان ملل^۳ در سال ۱۹۹۷ حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌کند. حکمرانی مشتمل بر سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و تشکل‌ها منافع خود را ابراز کرده، حقوق قانونی خود را استفاده نموده، تعهد و تکلیف‌هایشان را ایفا و اختلاف‌ها را با میانجی‌گری حل می‌کنند.

در تعریف دیگر از یونسکو در سال ۲۰۰۲، حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا درمی‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. همچنین حکمرانی خوب را فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند.^۴

علاوه بر موارد فوق، تعریف زیر نیز از تجربه بانک جهانی در مورد حکمرانی حاصل شده است. «حکمرانی خوب در نتیجه سیاست‌گذاری قابل‌پیش‌بینی، آزاد و ارشادی تجسم می‌یابد؛ یک بوروکراسی آکنده از خصلت‌های حرفه‌ای، ابزار قوه مجریه برای پاسخگو کردن دولت در مقابل اقدامات خود، مشارکت وسیع جامعه مدنی در فعالیت‌های عمومی،

۱. میرکریمی (۱۳۷۸)؛ ص ۴۶.

2. American Heritage Dictionary.

3. UNDP.

۴. استریتن (۱۳۸۳).

و تمام رفتارهایی که تحت لوای قانون انجام می‌شود»^۱.

ما در این مطالعه از میان مجموعه شاخص‌های متنوع موجود، توجه خود را به شاخص‌های حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی گردآوری شده است، متمرکز می‌کنیم. بانک جهانی، حکمرانی را به‌عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آن‌ها قدرت به‌منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر سه مولفه زیر است:

۱. فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند که دو شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی و همین‌طور ثبات سیاسی ذیل این مولفه قرار می‌گیرند.

۲. ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست مولفه دوم است که دو شاخص اثربخشی دولت و نیز کیفیت قوانین و مقررات را دربرمی‌گیرد.

۳. احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آن‌ها را اداره می‌کنند نیز مولفه دیگری است که شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد را شامل می‌شود.

۲. مروری بر تحقیقات انجام‌شده

برای آشنایی با تحقیقات انجام شده درخصوص رابطه بین تجارت و رشد اقتصادی اشاره‌ای مختصر به برخی از تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور خواهیم داشت.

۲-۱. مروری بر کارهای تجربی انجام‌شده در داخل کشور

پهلوانی در مطالعه خود با عنوان تغییرات ساختاری و رابطه صادرات و رشد اقتصادی کشور ایران تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی ایران برای سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۶۰ را مورد مطالعه قرار می‌دهد. متدولوژی مورد استفاده در مطالعه مذکور، استفاده از آزمون ریشه واحد در حضور شکست‌های ساختاری و همچنین استفاده از آزمون ARDL، ECM است.

براساس نتایج به‌دست آمده، سرمایه فیزیکی و صادرات نفتی تأثیر مستقیم و مثبتی بر

1. Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Pablo Zoido-Lobaton (1999).

رشد اقتصادی کشور ایران دارد؛ درحالی که صادرات غیرنفتی و سرمایه انسانی علی‌رغم اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی، تأثیر مستقیم کمتری نسبت به سرمایه فیزیکی و صادرات نفتی بر رشد اقتصادی خواهد داشت. همچنین در این تحقیق، واردات بر رشد اقتصادی تأثیر منفی داشته است.^۱

یغمائیان (۱۳۸۱) در مطالعه خود با عنوان «بررسی تجربی رابطه میان صادرات، توسعه و رشد در کشورهای درحال توسعه» نتایج متون تجربی حامی نظریه نئوکلاسیکی رشد مبتنی بر صادرات را به چالش می‌کشد و رویکرد نظری و تجربی دیگری ارائه می‌کند. برای آزمون این فرضیه نئوکلاسیکی که صادرات به عملکرد بهتر و رشد بیشتر تولید منجر می‌شود، و همین‌طور آزمون فرضیه جایگزین مبنی بر این که صادرات و رشد اقتصادی، هردو تحت تأثیر سطح توسعه اقتصادی و تغییرات ساختاری هستند، از تحلیل رگرسیونی مبتنی بر سری زمانی و مقطعی استفاده شده است. براساس نتایج به‌دست آمده، توزیع‌بخشی اشتغال و تولید به‌سمت بخش کارخانه‌ای در ارتقای صادرات و عملکرد کلی اقتصاد نقش دارد. درعین‌حال، زمانی که از داده‌های جمعیت برای متغیر نیروی کار در الگوی رشد نئوکلاسیکی استفاده شد، رابطه آماری معناداری میان رشد صادرات و رشد تولید به‌دست آمد. اما، با به‌کارگیری داده‌های اشتغال به‌جای داده‌های جمعیت، هیچ تأیید آماری برای نظریه رشد صادرات‌گرا به‌دست نیامد.

مرادی (۱۳۸۴) در تحقیق خود تحت عنوان «اثر تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصاد ایران»، ابتدا در چارچوب مبانی نظری شواهد تجربی و حقایق ثبت‌شده اقتصاد کشور، متغیرهای کلیدی تأثیرگذار داخلی و خارجی بر رشد شناسایی می‌شود و سپس با به‌کارگیری روش‌شناسی دو مرحله‌ای مدل شناسایی‌شده تخمین زده می‌شود. در چارچوب این روش‌شناسی در مرحله اول تابع تولید با استفاده از داده‌های سالانه ۱۳۸۲-۱۳۳۸ برآورد و در مرحله دوم با به‌کارگیری نتایج برآورد تابع تولید مدل رشد در قالب روابط پویای مدل تصحیح خطا برآورد شده است.

نتایج برآوردها نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۳۸ رشد موجودی سرمایه فیزیکی سرانه، رشد سرمایه انسانی، رشد واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای سرانه و تغییرات

درجه باز بودن اقتصاد، بر رشد اقتصادی سرانه کشور تأثیر مثبت دارد؛ در حالی که نرخ تورم بر آن تأثیر منفی می گذارد.

متوسلی (۱۳۷۸) در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه رشد صادرات و رشد اقتصادی»، برای بررسی رابطه بین رشد صادرات و رشد تولید ناخالص ملی، براساس آزمون علی گرنجر، برای داده های ۱۹۸۷-۱۹۶۰ تحقیقی انجام داد و نتایج حاصل حاکی است که بین این دو متغیر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و جهت علیت از صادرات بر تولید ملی کشور است. وی نتیجه گرفته است که صادرات بر رشد تولید ناخالص ملی، اثر مثبت و معناداری خواهد داشت.

۲-۲. مروری بر کارهای تجربی انجام شده در خارج از کشور

گلزاکوس و ویووداس در مقاله ای با عنوان «اثر صادرات بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته»، با استفاده از آزمون ARDL به بررسی اثر صادرات بر رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته در سال های ۱۹۶۶-۱۹۵۳ پرداخته اند.

آن ها استدلال کردند که صادرات به عنوان یک رقم کلی برای تمام کالاها گمراه کننده است. زیرا بی ثباتی صادرات خود تحت تأثیر کالاهای مختلف دارای نوساناتی است که به ویژگی های تولید آن کالا و درجه توسعه یافتگی آن بستگی دارد. بنابراین صادرات و بی ثباتی آن برای یک کالای خاص می تواند وابسته به توسعه یافتگی آن کشور باشد.

آن ها مطالعه خود را به صادرات در رشته تولیدات کالاهای طبیعی و مصنوعی تقسیم کردند و متوجه شدند که بی ثباتی صادرات در مورد کالاهای مصنوعی برای کشورهای کمتر توسعه یافته نسبت به کشورهای توسعه یافته بیشتر است. ضریب ECM، سرعت تعدیل به سمت تعادل را نشان می دهد و از نظر علامتی، منفی و معنادار است. اندازه این ضریب برابر ۰/۱۶- برآورد شده است که نشان می دهد در هر سال ۰/۱۶ از بی تعادلی تولید ناخالص داخلی در دوره بعد با تغییرات آن تصحیح می شود. بنابراین، حرکت به سمت تعادل به کندی صورت می گیرد.

بررسی ارتباط صادرات و رشد اقتصادی، در مورد ۳۱ کشور درحال توسعه، توسط فدر (۱۹۸۲)، بررسی شد. او در این مطالعه که با استفاده از آزمون سیمز انجام شد، مشخص کرد

که رشد صادرات، هم از طریق اثرهای جانبی و هم از طریق افزایش بهره‌وری، به افزایش رشد اقتصادی منجر می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت بهره‌وری یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در روند صادرات محسوب می‌شود و افزایش کارایی و بهره‌وری به افزایش صادرات در کشورها منجر خواهد شد.

خان، سکیب و رام با استفاده از آزمون ARDL برای ۷۳ کشور در حال توسعه برای دوره ۱۹۸۵-۱۹۶۰ بیان می‌کنند که رشد صادرات اثرهای مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

میچلی (۲۰۰۶)، بلاسا (۲۰۰۴) و چووان (۱۹۸۶)، با استفاده از آزمون علی گرنجری، رابطه مثبت میان رشد صادرات و رشد تولید برخی از کشورهای انتخابی را به اثبات رساندند. همچنین آثار افراد دیگری مانند ویلیامسون و اسمیت در سال ۲۰۰۶ در مورد نقش صادرات در رشد اقتصادی، نشان‌دهنده رابطه مثبت بین این دو متغیر است.

چن و گوپتا^۱ (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه تجارت بین‌الملل و رشد اقتصادی با استفاده از مدل داده‌های تابلویی^۲ در منطقه SADC آفریقا» به بررسی این رابطه بین ۱۳ کشور در حال توسعه جنوب آفریقا پرداخته‌اند. متغیرهای مورد استفاده در مدل آن‌ها شامل سرمایه‌گذاری مستقیم بین‌المللی و سرمایه‌گذاری داخلی، سطح آموزش و مخارج دولت، رابطه مبادله و درجه بازبودن تجاری اقتصاد است. نتیجه گویای این امر است که رابطه مبادله بر روی رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری دارد.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کتابخانه‌ای است و برای بررسی بهتر اثر تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصادی، کشورها را براساس رابطه بین بازار و دولت (حکمرانی) در آن‌ها طبقه‌بندی کرده است. برای تقسیم‌بندی کشورها از میان شاخص‌های موجود، توجه خود را به شش شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی گردآوری شده، متمرکز کرده است.^۴

1. Chen & Gupta.

2. Panel Data.

3. South Africa Developing Countries (SADC).

۴. بانک جهانی (۱۹۹۴).

این شاخص‌ها حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون^۱ است که یافته‌های موسسه‌های مختلف بین‌المللی همچون EIU^۲ و ICRG^۳، بنیاد هریتیج و خانه آزادی^۴ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی کرده‌اند.

براساس تقسیم‌بندی بانک جهانی، کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین صفر تا بیست و پنج است کشورهایی با کیفیت نهادی پایین، کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین بیست و پنج تا هفتاد و پنج است، کشورهایی با کیفیت نهادی متوسط و کشورهایی که درصد رتبه شاخص حکمرانی خوب آن‌ها بین هفتاد و پنج تا صد است، کشورهایی با کیفیت نهادی بالا هستند. (رتبه صفر مربوط به کشوری است که نامناسب‌ترین وضعیت نهادی و رتبه صد متعلق به کشوری است که بهترین وضعیت نهادی را داراست). شاخص کلی حکمرانی خوب از میانگین گیری وزنی براساس مدل اجزای اصلی^۵ از شش زیرشاخص آن به دست آمده است.^۶

در این تحقیق برای آزمون از روش داده‌های تابلویی^۷ استفاده شده است. حجم نمونه تحقیق ۵۷ کشور است. این روش مزایایی دارد، از جمله این که سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی که ناهمگنی‌ها را لحاظ نمی‌کنند با ریسک دستیابی به نتایج تورش دار روبه‌رو هستند. در تحقیقی بالتاجی^۸، به این نتیجه رسید که روش داده‌های تابلویی قادر است متغیرهای پایا نسبت به مکان و زمان را لحاظ کند، درحالی که سری‌های زمانی و مطالعات مقطعی این قدرت را نداشتند. بنابراین، یک امتیاز روش داده‌های تابلویی این است که برآوردهای ناریب و سازگار می‌دهد. این مدل همچنین، اطلاعات بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، هم‌خطی کمتر، درجه آزادی بیشتر و کارایی بیشتر را ارائه می‌کند و بهتر می‌تواند پویایی‌های

1. Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo.Zoido.Lobaton.

2. Economist Intelligence Unit.

3. International Country Risk Group.

4. Freedom House.

5. Principle Component model.

۶. مهدوی، بحرینی و جوادی (۱۳۸۷)؛ ص ۹۴-۹۳.

7. Panel Data.

8. Baltagi.

تعدیل (تطبیق یا اصلاح) را نشان دهد. توزیع‌های مقطعی که نسبتاً ثابت به نظر می‌آیند، تغییرات چندجانبه (پویایی چندجانبه) را نشان نمی‌دهند؛ ولی این تغییرات توسط روش داده‌های تابلویی بهتر مطالعه می‌شوند. روش داده‌های تابلویی، توانایی بهتری در تشخیص و اندازه‌گیری اثراتی که به‌راحتی در مطالعات مقطعی و سری زمانی خاص قابل‌پیش‌بینی نیستند، دارد و اجازه می‌دهد مدل‌های رفتاری پیچیده‌تری را در مقایسه با داده‌های مقطعی یا سری زمانی خاص بسازیم و آزمایش کنیم.

۴. مدل مورد استفاده

در این قسمت سعی شده است تا از بهترین مدل در این رابطه که اصل حداقل متغیرهای توضیحی هم در آن رعایت شده است و علاوه بر آن توضیح‌دهندگی مدل نیز کاهش نیابد، استفاده شود. در همین راستا مدل‌های زیر انتخاب شد:

در این بخش از مدل چن و گوپتا (۲۰۰۶) و مدل داده‌های تلفیقی پویای وینهلد (۱۹۹۹) به‌عنوان مدل‌های مبنا استفاده شده است. دوره مورد بررسی در این تحقیق سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۰ است. مدل وینهلد مشتمل بر دو جزء است: جزء اول اثرگذار از نظر وی رشد دوره قبل و بخش دوم سایر عوامل است. این مدل به‌صورت زیر است:

$$g_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 g_{it-1} + \sum_{j=1}^n \beta_j A_{jit} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در این مدل متغیرها عبارتند از:

g_{it} : رشد کشور i در سال t

g_{it-1} : رشد کشور i در سال $(t-1)$

A : سایر عوامل

همچنین چن و گوپتا در مقاله خود به اندازه‌گیری اثر تجارت اقتصادی بر رشد در ۱۳ کشور با استفاده از مدل زیر پرداختند:

$$g_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 g_{it-1} + \alpha_2 FDI_{it} + \alpha_3 INF_{it} + \alpha_4 GOV_{it} + \alpha_5 EDU_{it} + \alpha_6 FIN_{it} + \alpha_7 INV_{it} + \alpha_8 TOT_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

متغیرها در رابطه بالا بدین‌صورت تعریف شده‌اند:

g_{it} : نرخ رشد GDP کشور i در سال t

g_{it-1} : نرخ رشد GDP کشور i در سال $t-1$

FDI_{it} : سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور i در سال t

INF_{it} : نرخ تورم کشور i در سال t

GOV_{it} : سطح مخارج دولت کشور i در سال t

EDU_{it} : سطح آموزش کشور i در سال t

FIN_{it} : سطح گسترش مالی کشور i در سال t

INV_{it} : سطح سرمایه‌گذاری داخلی کشور i در سال t

$OPEN_{it}$: سطح باز بودن تجاری کشور i در سال t

TOT_{it} : رابطه مبادله کشور i در سال t

ε_{it} : جزء خطای تصادفی کشور i در سال t

لازم به یادآوری است که متغیرها به صورت لگاریتمی هستند و از مدل رشد درونزا استفاده شده است. EDU_{it} نماینده‌ای برای سرمایه انسانی است. دستیابی به سرمایه انسانی برای تخصیص شدن هر کشور لازم است. لذا انتظار می‌رود در کشورهایی که شاخص‌های مناسبی برای حکمرانی خوب دارند منجر به افزایش رشد اقتصادی شود. FDI_{it} و INV_{it} نشان‌دهنده سطح سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی هستند که در صورتی که کشوری دارای ظرفیت‌های بسیار در زمینه سرمایه انسانی باشد، می‌تواند به افزایش رشد اقتصادی در آن کشور منجر شود. FIN_{it} نشان‌دهنده اعتبارات داخلی است که در بخش بانکی تأمین می‌شود. میزان اعتبارات داخلی مذکور ممکن است نشان‌دهنده این مطلب باشد که بدهی‌های خارجی یک کشور کمتر است و این امر رشد اقتصادی را تشویق می‌کند. GOV_{it} که بیانگر سطح مخارج دولت است انتظار می‌رود که تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهایی که شاخص حکمرانی در آن‌ها خوب است داشته باشد. زیرا دولت می‌تواند تولید را به وسیله افزایش مخارج عمومی خود به ارتقای شرایط زیربنایی اقتصاد منجر شود. $OPEN_{it}$ و TOT_{it} نیز در این مدل شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری تجارت بین‌الملل هستند که در این مطالعه آزمون می‌شود که بهبود این شاخص‌ها در هر سه دسته کشور چه اثری بر رشد اقتصادی به جای می‌گذارد. توضیحات مربوط به متغیرها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱- توضیحات مربوط به متغیرهای انتخابی

متغیر	توضیحات
EDU	آموزش: نرخ ثبت نام آموزش و پرورش متوسطه به صورت درصد
FDI	سرمایه گذاری مستقیم خارجی: (FDI/صادرات + واردات)
FIN	گسترش مالی: اعتبار داخلی ارائه شده توسط بخش بانکداری به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی
GOV	مخارج دولت: (مخارج بهداشت عمومی + مخارج عمومی در آموزش و پرورش) به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی
g	نرخ رشد: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی
INF	تورم: درصد تغییر در شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)
INV	سرمایه گذاری داخلی: (INV / تولید ناخالص داخلی)
OPEN	باز بودن تجاری: (صادرات + واردات) / تولید ناخالص داخلی
TOT	شاخص رابطه مبادله (قیمت‌های نسبی صادرات به واردات یک کشور)

۵. کشورهای نمونه و الگوی انتخاب آن‌ها

آمارهای شاخص حکمرانی خوب منتشر شده در سال ۲۰۰۸، شامل آمارهای مربوط به ۲۱۰ کشور است. اما سایر داده‌های مورد استفاده در این مقاله مربوط به داده‌های منتشر شده توسط بانک جهانی منسوب به شاخص‌های توسعه جهان^۱ از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ است. این شاخص در سال ۲۰۰۹ برای ۱۵۳ کشور با بیش از یک میلیون جمعیت اندازه‌گیری شده است. این تحقیق از بین این ۱۵۳ کشور با استفاده از تکنیک‌های آماری یک نمونه ۵۷ کشوری را انتخاب کرده است. طبق تقسیم‌بندی ۲۰۰۸ بانک جهانی، از بین ۱۵۳ کشور، ۴۰ کشور با کیفیت نهادی بالا، ۷۸ کشور با کیفیت نهادی متوسط و ۳۵ کشور با کیفیت نهادی پایین هستند که طبق درصد نمونه گرفته شده از بین کل جامعه آماری و اعمال این درصد در این سه طبقه کیفیت نهادی یک نمونه ۱۹ کشوری از بین کشورهای با کیفیت نهادی بالا، یک نمونه ۲۳ کشوری از بین کشورهای با کیفیت نهادی متوسط و یک نمونه ۱۵ کشوری از بین کشورهای با کیفیت نهادی پایین انتخاب شده است. نمونه کشورهای مورد استفاده در این تحقیق به تفکیک طبق جدول (۲) است:

1. World Development Indicators, 2009; (WDI).

جدول ۲- کشورهای مورد استفاده در تحقیق به تفکیک سطح کیفیت نهادی

کشورهای با کیفیت نهادی بالا	کشورهای با کیفیت نهادی متوسط	کشورهای با کیفیت نهادی پایین
آلمان	آلبانی	اکوادور
اتریش	آرژانتین	ایران
اسپانیا	اروگوئه	بروندی
استرالیا	اکراین	بنگلادش
امریکا	برزیل	پاکستان
ایرلند	بلیز	جمهوری کنگو
ایسلند	بنین	چاد
بلژیک	بلغارستان	روسیه
پر توغال	ترکیه	زیمبابوه
دانمارک	جامایکا	کامرون
ژاپن	جمهوری آفریقای جنوبی	گینه بیسائو
سنگاپور	جمهوری دومینیک	نپال
سوئیس	چین	نیجریه
فرانسه	رومانی	هاییتی
فنلاند	عمان	ونزوئلا
کانادا	غنا	
نروژ	کنیا	
ژلاندنو	گابن	
هنگ کنگ	گویان	
	لهستان	
	لیتوانی	
	مالزی	
	مکزیک	

منبع: بانک جهانی و تحقیق حاضر

دوره مورد بررسی در این تحقیق سال‌های ۲۰۰۹ - ۲۰۰۰ است.

۶. برآورد مدل

برای برآورد مدل، اثر متغیرهای وابسته یک‌بار بر روی کل نمونه و یک‌بار بر روی نمونه طبقه‌بندی شده بر اساس کیفیت نهادی آزمون می‌شود.

با توجه به مطالب بیان شده و تعدیل‌های صورت گرفته در مدل چن و گوپتا و وینهلد مدل مورد استفاده این تحقیق، برای بررسی اثر تجارت بین‌الملل بر رشد عبارت است از:

$$g_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 g_{it-1} + \alpha_2 FDI_{it} + \alpha_3 INF_{it} + \alpha_4 GOV_{it} + \alpha_5 EDU_{it} + \alpha_6 FIN_{it} + \alpha_7 INV_{it} + \alpha_8 OPEN_{it} + \alpha_9 TOT_{it} + \varepsilon_{it}$$

این مدل یک‌بار برای کل ۵۷ کشور نمونه و سه‌بار به تفکیک برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا، با کیفیت نهادی متوسط و با کیفیت نهادی پایین تخمین زده شده است.

نتایج تخمین مدل اول برای کل نمونه مورد بررسی در جدول (۳) آمده است. ابتدا برای مشخص کردن نوع تخمین مدل از دو آزمون F لیمر و هاسمن استفاده می‌شود. در آزمون لیمر، فرضیه H_0 یعنی یکسان بودن عرض از مبداها (روش ترکیبی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 یعنی ناهمسانی عرض از مبداها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. بنابراین در صورت رد فرضیه H_0 ، روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

$$F = \frac{(RRSS - URSS) / (N - 1)}{(URSS) / (NT - N - K)} \sim F_{N-1, N(T-1)-K}$$

با مقایسه F محاسباتی فوق با F جدول مشاهده می‌شود که اگر فرضیه صفر رد شد و فرضیه مقابل آن مبتنی بر لزوم بررسی مطالعه به صورت داده‌های تابلویی مورد تأیید قرار گرفت، روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود.

روش داده‌های تابلویی خود به دو صورت است: روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی. انتخاب یکی از این دو روش با استفاده از آزمون هاسمن انجام می‌گیرد.

در مدل ما، F لیمر برابر ۱۲/۱۳ و آزمون هاسمن برابر ۱۴/۴۲ است، در نتیجه مدل داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت مورد قبول است.

نتایج برآورد نشان می‌دهد که رشد دوره قبل، اثر مثبت و کاملاً معناداری بر رشد دارد و به عبارتی یک درصد افزایش رشد اقتصادی دوره قبل، ۰/۱۶۵ درصد رشد دوره بعد را افزایش می‌دهد که بیانگر پویایی رشد است. همچنین اثر میزان سرمایه‌گذاری

داخلی و خارجی مثبت و معنادار است. اثر سطح مخارج دولت بر رشد مثبت بوده ولی در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست؛ به عبارت دیگر، اندازه دولت بر رشد کشورها اثر معناداری نداشته است. نرخ تورم اثر منفی بر رشد دارد ولی معناداری آن در سطح ۹۵ درصد تأیید نمی شود. اثر سطح آموزش بر نرخ رشد مثبت است ولی معنادار نیز می باشد. هم چنین اثر سطح باز بودن تجاری و رابطه مبادله بر رشد براساس تخمین این مدل مثبت و معنادار است. به عبارتی تجارت بین الملل از نظر این مدل توانسته اثر معناداری بر رشد داشته باشد. در نهایت، اثر گسترش مالی مثبت و کاملاً معنادار است. قدرت توضیح دهنده مدل $R^2=0/79$ است که نسبتاً خوب است^۱.

جدول ۳- نتایج تخمین مدل اول اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی برای کل نمونه مورد بررسی

مدل داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت	متغیرهای مستقل		ضریب	آماره t	F لیمر	آزمون هاسمن R^2	D-W
		رشد اقتصادی در دوره قبل	۰/۱۶۵	۲/۱۱			
		سطح مخارج دولت	۰/۳۳۵	۱/۲۹۱			
		سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۰/۴۱۲	۱/۹۸			
		نرخ تورم	-۰/۳۱۵	۱/۱۸			
	۱/۸۹	۰/۷۹	۱۴/۴۲	۱۲/۱۳	۱/۹۶	۰/۱۴۶	۱/۸۹
		سطح آموزش					
		شکاف مالی	۰/۶۵۰	۲/۲۱			
		سطح سرمایه گذاری داخلی	۰/۳۱۲	۲/۱۱			
		سطح باز بودن تجاری	۰/۵۲۰	۱/۹۹			
		رابطه مبادله	۰/۴۲۹	۲/۰۱			

منبع: محاسبات تحقیق

در تخمین دیگر همین مدل برای سه گروه کشورهای با کیفیت نهادی بالا، کیفیت نهادی متوسط و کیفیت نهادی پایین تخمین زده شده است که نتایج آن در جدول (۴) به صورت خلاصه شده مشخص است:

۱. در مورد R^2 در مدل‌های داده‌های تابلویی، همیلتون (۲۰۰۵) ثابت کرده است که مدل‌های با R^2 حدوداً برابر با ۰/۵ نیز قدرت توضیح دهنده بالایی دارند.

جدول ۵- نتایج تخمین مدل اول اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی به تفکیک کیفیت نهادی کشورها

کشورهای با کیفیت نهادی بالا				کشورهای با کیفیت نهادی متوسط				کشورهای با کیفیت نهادی پایین				متغیرهای مستقل
R ²	D-W	t	ضریب	R ²	D-W	t	ضریب	R ²	D-W	t	ضریب	
۰/۶۷	۱/۹۳	۲/۰۹	۰/۲۹۱	۰/۶۹	۱/۹۵	۱/۹۸	۰/۰۶۵	۰/۷۳	۱/۸۵	۳/۱۸	۰/۳۵	رشد اقتصادی در دوره قبل
		۱/۰۳	۰/۲۵۱			۱/۱۳	۰/۰۲۱			۰/۶۳۶	۰/۰۶۲	سطح مخارج دولت
		۱/۱۹	۰/۲۳۶			۲/۲۱	۰/۱۴۰			۲/۱۲	۰/۱۹	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
		-۱/۹۷	-۰/۳۶			-۱/۲۲	-۰/۲۳			-۱/۰۲۱	-۰/۲۵۶	نرخ تورم
		۱/۹۹	۰/۶۵			۲/۲۱	۰/۳۶۴			۱/۲۵	۰/۰۷	سطح آموزش
		۲/۳	۱/۱۲			۲/۴۳	۰/۶۵			۱/۹۹	۰/۲۹۵	گسترش مالی
		۱/۰۶	۰/۱۳۹			۱/۹۹	۰/۱۵۱			۲/۰۹	۰/۱۸	سطح سرمایه گذاری داخلی
		۱/۹۹	۰/۱۲۶			۱/۴۵	۰/۴۵۰			۰/۵۰۹	۰/۱۰	سطح بازبودن تجاری
		۲/۲۱	۰/۳۶۸			۱/۳۶	۰/۷۴۳			۰/۸۲۱	۰/۱۵۳	رابطه مبادله
-	-	-	-	-۲/۵۳	-۱/۳۶	c						
۷/۲۲				۶/۹۸				۵/۰۳				F لیمر
(۰/۰۰۳) ۲۰/۶۵				(۰/۰۰۱) ۴۲/۲۱				(۰/۹) ۲/۶۲				آزمون هاسمن
داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت				داده‌های تابلویی از نوع اثرات ثابت				داده‌های تابلویی از نوع اثرات تصادفی				نوع مدل

منبع: محاسبات تحقیق.

در کشورهای با کیفیت نهادی پایین، اثر رشد اقتصادی دوره قبل بر دوره فعلی مثبت و کاملاً معنادار است و افزایش یک درصد رشد در دوره قبل بیانگر ۰/۳۵ درصد افزایش رشد در دوره فعلی است. براساس تخمین‌ها، اثر مقدار سرمایه گذاری داخلی و خارجی نیز بر رشد اقتصادی مثبت و کاملاً معنادار است. براساس نتایج تخمین مدل برای کشورهای با کیفیت نهادی پایین از بین سایر متغیرها سطح مخارج دولت و سطح آموزش اثر مثبت و نرخ تورم اثر منفی بر روی رشد اقتصادی دارد، اما ضرایب هیچ کدامشان نیز معنادار نیست. دو شاخص باز بودن تجاری و رابطه مبادله نیز با این که اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی بر جای می‌گذارند ولی این اثر نیز معنادار نیست. به عبارت دیگر تجارت بین‌الملل در کشورهایی که از نظر نهادی کیفیت پایین دارند و شاخص‌های حکمرانی در آنها ضعیف است، اثر قابل توجهی در بهبود وضعیت اقتصاد ندارند. قابل ذکر است با توجه به آزمون F

که مقدار آن ۵/۰۳ شده مدل‌های پانل انتخاب می‌شود.

از بین مدل‌های تخمین زده شده برای کشورهای با کیفیت نهادی متوسط براساس آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، در نهایت مدل اثرات ثابت انتخاب شده است که نتایج آن به همراه مقدار F لیمر و آزمون هاسمن و R^2 در جدول آمده است. براساس نتایج تخمین اثر رشد اقتصادی دوره قبل و اثر مقدار تشکیل سرمایه بر رشد اقتصادی دوره بعد مثبت و معنادار است.

از بین سایر متغیرها نیز مانند گروه کشورهای با کیفیت نهادی پایین، سطح مخارج دولت اثر مثبت و نرخ تورم اثر منفی بر روی رشد اقتصادی دارد، اما ضرایب هیچ کدام از آن‌ها نیز معنادار نیست. اما برخلاف گروه قبل، سطح آموزش اثر مثبت و معناداری بر روی رشد اقتصادی دارد. دو شاخص باز بودن تجاری و رابطه مبادله نیز با این که اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی بر جای می‌گذارند ولی این اثر نیز معنادار نیست. به عبارت دیگر، تجارت بین‌الملل در کشورهایی که از نظر نهادی کیفیت متوسط دارند و شاخص‌های حکمرانی در آن‌ها در سطح متوسطی است، اثر قابل توجهی در بهبود وضعیت اقتصاد ندارد. قابل ذکر است با توجه به آزمون F که مقدار آن ۶/۹۸ شده، مدل‌های پانل انتخاب می‌شود.

قدرت توضیح‌دهندگی کل مدل برای کشورهایی با کیفیت نهادی متوسط ۰/۶۹ است. مدل مذکور یک بار نیز برای کشورهای با کیفیت نهادی بالای موجود در نمونه تخمین زده شده است. نتایج این تخمین نیز در جدول (۴) آمده است. نتایج نشانگر اثر رشد دوره قبل در کشورهای پرکیفیت نهادی بر رشد این دوره مثبت و معنادار است و یک درصد افزایش رشد دوره قبل حدود ۰/۲۹ درصد افزایش رشد دوره جاری را سبب می‌شود. به عبارتی، رشد اقتصادی در این کشورها پویا بوده و تابعی از رشد دوره قبل است. اثر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بر رشد اقتصادی این کشورها مثبت و درعین حال غیرمعنادار است؛ به عبارت دیگر، براساس نتایج تحقیقات این مدل مقدار سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی کشورهای پرکیفیت نهادی اثر معناداری ندارد. این مسأله شاید ناشی از اشباع شدن ظرفیت سرمایه‌های فیزیکی این کشورهای در سطح سرمایه‌های انسانی موجود است. به عبارتی در این کشورها ممکن است به علت وجود سرمایه فیزیکی بسیار بالا، عامل اصلی تعیین رشد، سرمایه انسانی باشد. از سایر متغیرها، اثر پنج عامل بر رشد اقتصادی مثبت

و اثر یک عامل منفی است. اندازه مخارج دولت اثر معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای با کیفیت نهادی بالا ندارد. به عبارت دیگر، با توجه به نتایج این مدل می‌توان گفت که کوچکی یا بزرگی دولت نمی‌تواند بر رشد اقتصادی کشورهای با کیفیت نهادی بالا اثر معناداری داشته باشد. شاید دلیل اصلی آن وجود انواع دولت‌ها (بزرگ، متوسط و کوچک) در کشورهای با کیفیت نهادی بالا باشد. اثر سطح آموزش بر رشد کشورهای با کیفیت نهادی بالا مثبت و معنادار است، ولی برخلاف سطح آموزش، نرخ تورم یک اثر منفی و معنادار بر روی عملکرد اقتصاد بازی می‌کند.

براساس تحقیقات این مدل، اثر گسترش مالی بر رشد اقتصادی این کشورها مثبت بوده و معنادار نیز هست.

دو شاخص باز بودن تجاری و رابطه مبادله نیز اثر مثبت بر روی رشد اقتصادی بر جای می‌گذارند، ولی این اثر معنادار نیز هست. به عبارت دیگر، تجارت بین‌الملل در کشورهایی که از نظر نهادی کیفیت بالا دارند و شاخص‌های حکمرانی در آن‌ها خوب و قوی است، اثر قابل توجهی در بهبود وضعیت اقتصاد دارند. قدرت توضیح‌دهندگی مدل مورد بررسی برای کشورهای با کیفیت نهادی بالا ۶۷ درصد ($R^2=0/67$) است.

جمع‌بندی و ملاحظات

۱) نتایج نشان می‌دهد ارتقا شاخص‌های درجه باز بودن تجاری و رابطه مبادله در مدل کلی متشکل از انواع کشورها موجب بهبود رشد اقتصادی می‌شود. اما وقتی کشورها را براساس شاخص حکمرانی خوب تقسیم‌بندی می‌کنیم، در مورد گروه کشورهای با کیفیت نهادی پایین و متوسط بهبود تجارت بین‌الملل اثر معناداری بر روی رشد اقتصادی ندارد؛ اما در مورد کشورهایی با کیفیت نهادی بالا بهبود تجارت به بهبود رشد اقتصادی آن‌ها منجر می‌شود.

همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد آزادی تجارت از قدیمی‌ترین و جدیدترین موتورهای رشد اقتصادی در نظریات رشد است. از گذشته این ادعای نظری که تجارت بین‌الملل با ایجاد بازار بزرگ‌تر، افزایش سرعت انتشار تکنولوژی، افزایش رقابت و حذف ناکارآمدی‌ها، گسترش امکان استفاده از مزیت‌ها و بالابردن بهره‌وری و... باعث افزایش رشد اقتصادی

می‌شود، وجود داشته است. لزوم آزادی تجارت برای تأمین منافع بخش خصوصی در داخل حتی ممکن است باعث فشار این بخش به دولت‌ها برای اصلاح مقررات و حذف ناکارآمدی‌ها شود. از نتایج مدل مشخص می‌شود که معناداری این زیرشاخص تنها در کشورهای با کیفیت نهادی بالا تأیید می‌شود. این که چرا این شاخص تنها در کشورهای با کیفیت نهادی بالا معنادار می‌شود این است که در واقع تأثیر تجارت آزاد بر رشد، به وجود یا عدم وجود نهادها و سازمان‌های مکمل مرتبط مربوط است که عموماً در کشورهای با درآمد متوسط و با درآمد پایین وجود ندارد. برای مؤثر بودن مبادله، نیاز به این است که طرفین هنگام مبادله بسته‌های حقوق مالکیت‌شان، بر روی قوانین توافق داشته باشند. حتی اگر قوانین داخل یک کشور برای مبادلات داخلی مؤثر باشد، ممکن است هنگام مبادله با شرکای تجاری بین‌الملل با محیط نهادی و ساختاری متفاوت مؤثر نباشد. علاوه بر آن، یکی از مسائل مهم در تجارت بین‌الملل حقوق مالکیت فکری و مکانیسم‌های اجرایی آن است که در فضای نهادی هر کشور تعریف شده است. استانداردها، نهاد مهم دیگری در این زمینه هستند که برای کاهش هزینه اطلاعات و اجرا و کاهش هزینه‌های مبادله در سراسر مرزها ایجاد شده‌اند که باید روی آن‌ها توافق کرد. برای مؤثر بودن، کاهش کنترل بر بازار سرمایه، همچنین ایجاد سیستم‌های حسابداری معتبر و موثق ضروری است. نبود هر کدام از موارد بالا، هزینه گشایش مرزها برای کشورهای با اقتصاد بسته را بسیار بالا می‌برد و گاه باعث شکست تجارت آن‌ها در رقابت با فضای تجارت بین‌المللی می‌شود. به خاطر همین هزینه انتقال بالا از اقتصاد بسته به اقتصاد باز است که کشوری بدون داشتن زیربنای مناسب نهادی نمی‌تواند انتظار داشته باشد که از آزادی سود ببرد. بدون وجود یک زیربنای مناسب نهادی و اقتصادی، دسترسی به پول سالم و ریسک بین‌المللی پایین، آزادسازی مالی و تجاری تأثیری روی رشد ندارد و ممکن است حتی اثرات زیانبار به بار آورد.

(۲) نتیجه‌گیری با توجه به سطح کیفیت نهادی:

- الف- در مورد کشورهای با کیفیت نهادی پایین، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی سطح سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است.
- ب- در مورد کشورهای با کیفیت نهادی متوسط، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی علاوه بر سطح سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، سطح آموزش است.

ج- در مورد کشورهای با کیفیت نهادی بالا، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی علاوه بر سطح آموزش، درجه باز بودن تجاری و رابطه مبادله است.

د- در واقع نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بر سر راه اثرگذاری عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، از جمله تجارت بین‌الملل، در بعضی موارد موانعی وجود دارد که این موانع و گره‌ها عموماً گره‌های نهادی هستند. نهادهای ناکارآمد در یک جامعه و همچنین رابطه ناکارآمد دولت و بازار می‌تواند هر کدام از این عوامل را خنثی کند یا تأثیرگذاری آن‌ها را از بین ببرد. لذا هر زمان که برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مورد یک کشور انجام می‌گیرد، لزوم توجه به نهادها و زیرساخت‌های نهادی هر کشور ضروری به نظر می‌رسد.

ه- همان‌طور که بیان شد، در مسیر عینیت یافتن اثر تجارت بین‌الملل بر رشد اقتصادی، موانع یا گره‌هایی وجود دارد که مانع از تحقق رشد اقتصادی می‌شوند. به بیان دقیق‌تر، بسط تجارت بین‌الملل شرط مولد و نه شرط کافی برای تحقق رشد اقتصادی است. لذا برای کفایت شرط تحقق رشد اقتصادی در نتیجه بسط آزادی اقتصادی باید موانع سیاستی بر سر راه را برداشت و یا این‌که اگر موانع نهادی است و امکان تغییر آن در کوتاه‌مدت وجود ندارد، باید در چهارچوب محیط نهادی راه‌حل بهینه‌ای را برای تحقق این امر یافت.

توصیه‌های سیاستی

۱) از آنجا که نتیجه این مطالعه اثر مثبت شاخص حکمرانی خوب بر رابطه تجارت خارجی و رشد اقتصادی در نمونه مورد بررسی را تأیید می‌کند، لذا اقتصاد ایران برای رسیدن به توسعه پایدار و ایجاد امنیت اقتصادی از طریق بهبود شاخص حکمرانی خوب و باز تعریف وظیفه دولت در ارتباط با حقوق مالکیت و ارتقای جایگاه و اولویت این وظیفه در صدر وظایف دولت و تقویت نقش نهادهای سنت و بازار، می‌تواند شرایط کسب درآمد دائمی و کیفیت مناسب زندگی برای نسل‌های مختلف را فراهم کند.

۲) از آنجایی که این تحقیق به بررسی رابطه تجارت خارجی با رشد اقتصادی می‌پردازد

و مهم ترین بخش تجارت خارجی ایران بخش نفت است و درآمد ناشی از آن به طور مستقیم تحت مدیریت دولت ها قرار می گیرد، بنابر این، پیامدهای داخلی این درآمد به تصمیم دولت درباره چگونگی هزینه کردن درآمدها بستگی دارد. بنابر این، پیشنهاد می شود اصلاح ساختار دولت به عنوان بزرگ ترین نهاد اجتماعی نهادساز در صدر تمام امور قرار گیرد.

۳) از آنجایی که بر طبق نتایج، در کشورهایی با کیفیت نهادی ضعیف تجارت خارجی اثر معناداری بر روی رشد اقتصادی ندارد و مهم ترین عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی این دست کشورها، سطح سرمایه گذاری داخلی و خارجی است، توصیه می شود که این کشورها اولاً به تقویت نهادهای موجود در جامعه خود بپردازند و ثانیاً موانع سرمایه گذاری داخلی و خارجی را حذف کنند.

۴) از آنجایی که بر طبق نتایج، در کشورهایی با کیفیت نهادی متوسط تجارت خارجی اثر معناداری بر روی رشد اقتصادی ندارد و مهم ترین عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی این دست کشورها، سطح سرمایه گذاری داخلی و سطح آموزش است، این کشورها برای تقویت رشد اقتصادی خود می توانند نهادهای موجود در جامعه را تقویت کنند، موانع بر سر راه سرمایه گذاری داخلی و خارجی را حذف کنند و بر روی آموزش نیروی انسانی تمرکز خاص داشته باشند.

منابع

- استریتن، پل، (۱۳۸۳)؛ حکمرانی خوب: پیشینه و تکوین مفهوم، حمیدرضا ارباب، احمد میدری و جعفر خیرخواهان (مترجم)، حکمرانی خوب بنیان توسعه؛ دفتر بررسی های اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۷.
- بدن، لویی، (۱۳۴۰)؛ تاریخ عقاید اقتصادی، هوشنگ نهاوندی (مترجم)، تهران، چاپخانه بهمن.
- تفضلی، فریدون، (۱۳۷۲)؛ تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- حافظی، مجتبی، (۱۳۷۷)؛ اثربخشی تجارت خارجی بر رشد اقتصادی با استفاده از تکنیک های همگرایی، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.
- حیدری، محمد، (۱۳۸۱)؛ بررسی رابطه علی بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی یک الگوی خودهمبسته برداری برای اقتصاد ایران، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سالواتوره، دومینیک، (۱۳۷۵)؛ گات و نظریه های جدید تجارت بین الملل (مجموعه مقالات)، احمد اخوی (مترجم)، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- سالواتوره، دومینیک، (۱۳۸۶)؛ تجارت بین الملل، حمیدرضا ارباب (مترجم)، تهران، نشر نی.
- طیبه، سید کامیل، آریتا شیخ بهایی و احمد گوگردچیان، (۱۳۸۷)؛ تحلیلی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) با تأکید بر تجارت و سرمایه انسانی، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
- قادری، سیمین، (۱۳۸۶)؛ بررسی نقش تجارت خارجی در فرآیند رشد اقتصادی ایران، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- قلی پور، رحمت ا...، (۱۳۸۴)؛ حکمرانی خوب و امکان سنجی اجرای آن در ایران (۲)، مجموعه سخنرانی ها، موسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.
- فرهادی، علیرضا، (۱۳۸۴)؛ «بررسی آثار تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۸۴.

- متوسلی، محمود، (۱۳۷۸)؛ «بررسی رابطه رشد صادرات و رشد اقتصادی براساس آزمون علی گرینجر»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۷.
- محتشم دولتشاهی، طهماسب، (۱۳۸۴)؛ اقتصاد بین الملل، تجارت بین الملل، مالیه بین الملل، تهران، نشر پشوتن.
- مرادی، محمدعلی و مریم مهدی زاده، (۱۳۸۴)؛ «تجارت خارجی و رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۳.
- مسعودزادگان، سعید، (۱۳۸۱)؛ بررسی اثر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از جدول داده - ستانده، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه بوعلی سینا.
- مهدوی عادل، محمدحسین، محمدحسین حسین زاده بحرینی و افسانه جوادی، (۱۳۸۷)؛ «تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط»، دانش و توسعه، شماره ۲۴.
- میرکریمی، سیدعلی، (۱۳۷۸)؛ اثر هزینه های مبادله بر جهت تجارت خارجی، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی.
- یغمایان، بهزاد، (۱۳۸۱)؛ بررسی تجربی رابطه میان صادرات، توسعه و رشد در کشورهای در حال توسعه: نقدی بر نظریه نئو کلاسیکی رشد مبتنی بر صادرات، پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۲۱.
- Chen, Pei-Pei & Gupta, Rangan (2006); *An Investigation of Openness and Economic Growth Using Panel Estimation*, University of Pretoria, November 2006.
- Edwards, S. (1989); "Openness, Productivity and Growth: What Do We Really Know?", *The Economic Journal*, No.108.
- Feder, G. (1982); "On Export and Economic Growth". *Journal of Development Economics*.
- Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Pablo Zoido-Lobaton (1999); "Aggregating Governance Indicators." Policy Research Department Working Paper 2195, Washington: World Bank.
- Khan, Ashfaq H., and Najam-Us-Saqib (1993); "Exports and Economic Growth: The Pakistan Experience". *International Economic Journal*, 7:3.
- Miller, S. M and M. P. Upadhyay (2000); "The Effects of Openness, Trade

Orientation, and Human Capital on Total Factor Productivity”, *Journal of Development Economics*.

Pahlavani, M (2005); “Cointegration and Structural Change in the Exports-GDP Nexus: The Case of Iran”, *International Journal of Applied Econometrics and Quantitative Studies*, vol. 2 (4). Euro-American Association of Economic Development.

Soderbom. M and F. Teal. (2003); “Trade and Human Capital as Determinant of Growth”, Department of Economics, University of Oxford.

Weinhold, D. (1999); A Dynamic Fixed Effects Model for Heterogeneous Panel Data, London: London School of Economics.